تذکرة الملوک (3)

و عالیجاه مزبور از جمله امراء جانقی و انیس و جلیس مجالس خاص‏وعام و عرایض و فصول امراء و حکام که از ممالک محروسه بپایه سریر اعلی فرستاده شود پادشاه همگی را نزد مجلس‏نویس می‏فرستد که در خدمت اشرف فصول و عرایض را در مجالس خاص‏وعام خوانده‏ جواب آنرا قلمی می‏نمایند و آنچه را باید رقم صادر شود از قرار یادداشت بمسوده واقعه‏نویس‏ رقم‏نویسان توابین واقعه‏نویس قلمی مینمایند و جواب فصول را واقعه‏نویسان در تحت هر فصل‏ بشرحی که امر اشرف صادر گردد بخط خود قلمی و در سررشته خود ثبت مینمایند و توابین واقعه‏ نویسان ده نفر بدینموجب بوده‏اند و عرایض که بخدمت نواب اشرف داده شود عرض نموده. رقم‏نویسان و سررشته‏دار ارقام هفت نفر.رقم‏نویس دیوان اعلی و سه نفر دیگر که بکومک‏ او مقرر و سررشته‏دار ثبت ارقام‏اند پنج نفر.رقم‏نویسان ارقامی که بمسوده دفتر صادر میشود دو نفر.که حسب الصلاح عالیجاه معظم الیه بخدمات دفتری و غیره از جانب او قیام نموده‏اند سه نفره که حسب الصلاح مشار الیه خدمت مینوده‏اند دو نفر.نامه‏نویس یکنفر.عرایض بواقعه‏ نویس نسبت دارد و مطالبی که در عرض مناصب و غیره امور متعلقه بدولتخواهی عرض مینوده‏اند هرگاه مقرون بصلاح دولت بوده اعتبار و اعتماد میکرده‏اند و هر ساله مبلغ سی تومان بصیغه‏ کاغذ بها از وجوهات اصفهان بجهة تحریر ارقام و ثبت و سررشته دفاتر تنخواه میداده‏اند و هرگاه استدعا عرض مطلبی از خود و دیگری داشته بدون ممانعت در مجالس خاص‏وعام بخدمت‏ پادشاهان میرفته و عرض مینموده‏اند و هرگونه عریضه که هرکس بخدمت پادشاه بدهد خواندن‏ عرایض و جواب نوشتن در خدمت بندگان اشرف بدیگری غیر از مجلس‏نویس نسبت ندارد و بهمین جهت واقعه‏نویسانرا مجلس‏نویس میگویند و در میان ارباب قلم بغیر از وزیر اعظم‏ در رتبه خدمت و تقرب زیاده بر واقعه‏نویس دیگری نیست و همیشه از قدیم الایام واقعه‏نویسان‏ در خدمت پادشاهان در مجالس خاص‏وعام می‏نشسته‏اند و در تحقیق امور جزئی و کلی سخن واقعه‏ نویسان و عرض ایشان مناط و معتبر بوده.

فصل سیزدهم از باب دویم در بیان شغل عالیجاه مستوفی الممالک است.مشار الیه از جمله‏ امراء عظام و شغل و عمل مشار الیه عظیمن است و تمامت مالیات دیوانی که در کل ممالک محروسه‏ دادوستد میشود باید از قرار نسخجات که مشار الیه از دفتر نویسند و بعمال هر ولایت‏ دهند مستند خودساخته از انقرار بدون زیاد و کم دادوستد نمایند و تمامیت تیولات و همه‏ سالجات بیکلربیگان و خوانین و حکام و سلاطین و رسومات وزراء و مستوفیان و کلانتران‏ مواجب ارباب قلم و سایر عساکر منصوره و وظایف و سیور غالات و غیرهم و کیفیات دفتری که بمهر مشار الیه رسیده باشد دادوستد و تنخواه داده میشود و وزراء دیوان اعلی بدون‏ تصدیق مشار الیه از مالیات دیوانی چیزی دادوستد نمی‏نمایند و در مالیات دیوانی تصدیق‏ و تجویز مشار الیه مناط اعتبار و اعتماد است و محرران دیوان اعلی بعد از تصدیق ریش‏ سفید هر سرکار و تجویز مشار الیه تعیین میشود و ناظر و داروغه دفتر و صاحب توجیه و ضابطه‏ نویس و اوارجه‏نویسان و غیرهم همگی جزو مشار الیه و از وجوهات سرکار خاصه و ارباب‏ التحاویل که دادوستد آن با مستوفی خاصه و ارباب التحاویل است آنچه مشار الیه رسد رساند ایشان تنخواه میدهند و ارقام ملازمت و احکام تنخواه کل ملازمان اعم از آنکه تنخواه از دفتر و خاصه و ارباب التحاویل نگذرد سوای ارقام وظایف و معافیات و غیره سرکار خاصه تتمه‏ بمهر مشار الیه میرسد و بازخواست تقصیرات محرران دفتر دیوان با عالیجاه مشار الیه است و مستوفیان جزو ممالک محروسه بتجویز عالیجاه مشار الیه باید تعیین نمود.کتاب:سرکار مزبور که شغل تحریر در خدمت عالیجاه مستوفی الممالک قیام دارند.صاحب رقمان عالیجاه مشار الیه‏ که حسب الارقام ملازم دیوان بودند پنج نفر و شغل و خدمت ایشان آن بوده که کیفیات و ارقام‏ و احکام ملازمت و تنخواه و همه سالجات و تیول وظایف و معافیات و سور غالات و غیره نوشتجاتی‏ که متعلق به دادوستد دفتری است ملاحظه و تصحیح نموده آنچه مقرون بحساب باشد بمهر و بخط عالیجاه مشار الیه رسانیده و آنچه خلاف حساب باشد جواب دفتری قلمی و بصاحب کاغذ رد نمایند.محرران سرکار خالصه که دفتر مزبور متعلق بعالیجاه مشار الیه و بجهة استحضار و هم قلمی سایر سرکارات خرج ارقام مناصب و ملازمت و احکام تیولات و همه سالجات و تنخواه‏ براتی و انعام و سیورغالات و معافیات و غیره وجوهات دادوستد دفتر را ثبت مینودند و چهار نفر محرر بودند که حال هیچیک موجود و در قید حیات نیستند.

فصل چهاردهم از باب دویم در بیان شغل عالیجاه خلیفة الخلفا است.شغل مشار الیه آنست‏ که بدستور زمان شیخ صفی الدین اسحق در شبهای جمعه درویشان و صوفیان را در توحیدخانه‏ جمع و بذکر کلمه طیبه لا اله الا الله بطریق ذکر جلی اشتغال و در شب جمعه نان و حلوا و طعام‏ و در سایر اوقات نان و طعام مقرری درویشان را حذف مینماید و دو نفر خلیفه و خادم باشی و چند نفر عمله توحیدخانه و خلیفه در کل ممالک محروسه بجهت امر معروف و نهی منکر تعیین‏ میشود و بتعلیقه خلفا تعیین و رقم بر طبق آن شرف صدور میاید.

باب سیم در بیان منصب هریک از مقریان که لفظ مقرب الخاقان و مقرب الحضرت مختص‏ ایشانست و آن مشتملست بر دو مقاله‏مقاله اول در ذکر شغل جمعی از مقربان که بسبب زیادتی‏ تقرب و رتبه خدمت ایشانرا مقرب الخاقان مینویسند و این مشتملست بر دو نوع‏نوع اول در بیان‏ خواجه‏سرایانت صاحب منصب.اولا درازمنه سلاطین سالفه صفویه خواجه‏سرای سفید نبوده و از خواجه‏سراهای سیاه هرکدام عاقل وزیرکتر و بخدمت پادشاهان لایق‏تر بوده‏اند ایشانرا ریش‏سفید خواجهای حرم علیه عالیه نموده یا امرای در خانه عریضه که در حرم میفرستاده‏اند امر و نهی کل خواجه‏های سیاه با ریش‏سفید و سرکرده مزبور بوده عرایضی که امراء سرحد نزد ایشک آقاسی باشیان میفرستاده اولا عرایض بدست ایشک آقاسی باشی حرم محترم که کشیک‏خانه معینی دارد داده میشد و ایشک آقاسی باشی حرم بریش‏سفید خواجه‏های حرم داده مشار الیه‏ در اندرون حرم بنظر پادشاه رسانیده جو ابرامی آورده و امرا را در کشیک‏خانه ایشیک‏ آقاسی باشی طلب و خود میگفته که پادشاه در جواب عریضه چه نحو مقرر فرمود و خواجه‏ سرای معتبر دیگر که در قدر و مرتبه و اعتبار برابری با ریش‏سفید حرم مینود او را صاحبجمع‏ خزانه عامره و کل نقد و جنس خزانه اندرون و بیرون را باو اعتماد مینوده‏اند و کلیددار خزانه‏ نیز خواجه سیاه و تا بین صاحبجمع خزانه و کل عمله خزانه تابع فرمان خزانه‏دار و در کمال استقلال‏ و اعتبار بوده‏اند و در زمان شاه عباس ماضی صد نفر از غلامان گرجی سفید را خواجه نموده یکی‏ که از همه معتبرتر بود یوزباشی ایشان نموده‏اند و یوز باشی دیگر بجهة خواجه‏سرایان سیاه تعیین‏ و باو نیز صد نفر تابین از خواجهای سیاه داده تا زمان شاه سلطان حسین یوزباشی آقایان سفید ابراهیم آقا و یوز باشی آقایان سیاه الیاس آقا بوده هریک از یوزباشیان در دور حرم محترم عمارتی‏ و دستگاهی و تیول و مواجب معین خود و توابین ایشان بنحوی که از سررشته دفاتر معلوم میگردد داشتند و خدمت نظارت و جبادارباشی‏گری را که در زمان سلاطین سلف با مقربان فزلباش‏ بوده شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بخواجهای سفید تفویض نمودند.مدتی محمود آقا اولا جبادار باشی و ثانیا ناظر و بعد از فوت اوجبادارباشی‏گری با اسمعیل آقای خواجه سفید و نظارت‏ بقزلباش برگشت و خدمت مهمتری رکیب‏خانه نیز با خواجه‏سرایان معتبر بوده و خدمت نزدیک‏ و نگاه داشتن قابلق دستمال مختص مهتران رکاب‏خانه است و غلامان خاصه در پشت‏سر پادشاهان‏ ایستاده میشوند لله مخصوصی داشتند و غلامان ساده کوچک که مادام ملتحی نبودند و ریش‏ نداشتند لله مخصوص و معلم مخصوص داشتند که ایشانرا تربیت مینودند.بعد از آنکه ریش‏ برمی‏آوردند و بزرگ میشدند داخل یوزده و توابین قوللر آقاسیان میگشتند. نوع دوم از مقالهء اول در بیان شغل مقربانی که داخل خواجه‏سرایان نیستند و ایشانرا مقرب‏ الخاقان مینویسند و این نوع مشتملست بر هشت فصل.فصل اول در بیان شغل مقرب الخاقان‏ حکیم‏باشی است.مشار الیه ریش‏سفید اطبای سرکار خاصه شریفه و انیس و جلیس مجالس عام‏ وخاص پادشاهان و معزز و مکرم بوده‏اند و شغل مشار الیه آنست که طبابت ذات اقدس و وجود مقدس که جانها فدای نام مبارکش باد نماید و ملاحظه نبض بمشار الیه تعلق دارد و بدیگری‏ نسبت ندارد و مواجب و انعام و ملازمت اطبا بتصدیق و تجویز و عرض مشار الیه ممضی و وزراء اعظم و ناظران بیوتات از انقرار معمول و عطارباشی سرکار خاصه شریفه از جمله توابین‏ عالیجاه مشار الیه و منع اطبای غیر ملازم از شغل طبابت هرگاه وقوفی نداشته باشد بمعظم‏ الیه متعلق است و اگر احدی ازولات و بیکلربیکیان استدعای طبیب از خدمت نواب اشرف‏ نمایند یا سپه سالار و سرداری که تعیین شود طبیب خواهد تعیین طبیب بعالیجاه مشار الیه‏ مقرر میشود و اطباء زمان شاه سابق سوای میرزا رحیم حکیم‏باشی سابق که مبلغ چهارصد تومان مواجب همه‏ساله داشته موازی شصت و هشت نفر ملازم دیوان و یکهزار و هفتصد و نود و شش تومان و ششهزار و سیصد و شصت و شش دینار در وجه اطبای سایر از همه‏ساله و تتخواه‏ و براتی مقرر بوده.